

بررسی کاربردشناختی زبان نمایشی در نمایشنامه‌های بهمن فرسی
(نمونه‌های مطالعاتی: گلدان، بهار و عروسک، چوب زیر بغل، دو ضربدر دو مساوی
بی نهایت و پله‌های یک نردبان)^۱

عبدالله چاوشینی^۲

پانته آنبی نیان^۳

چکیده

زبان‌شناسی علمی است که زبان انسان‌ها را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد و در پی کشف اصولی است که زیربنای ویژگی‌های اصلی زبان را تشکیل می‌دهند. یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی، کاربردشناسی است که به بررسی پاره‌گفتارها در درون بافت می‌پردازد و اصول چهارگانه گرایس، ادب و نوبت‌گیری از جمله عواملی هستند که در کاربردشناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرند که در این پژوهش به بررسی آن‌ها در نمایشنامه‌های بهمن فرسی پرداخته شده است. براساس داده‌های جمع‌آوری شده پژوهش، نمایشنامه‌های دو ضربدر دو مساوی بی نهایت و گلدان با بیشترین نقض اصول رعایت مکالمه و نمایشنامه پله‌های یک نردبان دارای بیشترین رعایت اصول مکالمه در بین سایر نمایشنامه‌های فرسی می‌باشند. هم‌چنین بیشترین نقضی که در دیالوگ‌نویسی آثار نمایشی فرسی مشاهده شد، نقض اصل کمیت بود. تکرار و زیاده‌گویی در دیالوگ‌های شخصیت‌ها از مهم‌ترین و پرکاربردترین تکنیک‌های پیشبرد پلات و مکالمه در آثار نمایشی فرسی به شمار آمد. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی به تحلیل الگوی داده‌ها در چارچوب نظریات کاربردشناسی زبان پرداخته است.

کلید واژه‌ها: زبان‌شناسی، کاربردشناسی زبان، زبان نمایشی، نمایشنامه، بهمن فرسی.

۱- مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «بررسی کاربردشناختی زبان نمایشی در نمایشنامه‌های بهمن فرسی» است که با راهنمایی نویسنده دوم در شهریور ۱۴۰۲ در دانشکده هنر دانشگاه سوره دفاع شده است.

۲- کارشناسی ارشد، گروه ادبیات نمایشی، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

A.chawshini@outlook.com

NabianPantea@gmail.com

۳- استادیار، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۳/۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۵/۲۹

مقدمه

زبان^۱ یکی از مهم‌ترین رفتارهای فرهنگی و اجتماعی و وسیله بیان اندیشه و انتقال ارزنده‌ترین دستاوردهای آن در جوامع انسانی است. ارتباط اجتماعی در بهترین حالت خود تنها از راه زبان و در قالب گفت‌وگو صورت می‌گیرد که مجموع این ویژگی‌ها و همچنین توجه به دانش زبان‌شناسی^۲ در دهه‌های اخیر، زبان را تبدیل به موضوع پژوهش‌های متنوع کرده است. از سوی دیگر نمایشنامه نیز به عنوان نمادی از نهاد اجتماعی است چرا که در اجتماع به گفت‌وگو می‌نشیند و این امکان‌پذیر نیست مگر از راه زبان. از این‌رو زبان به‌طور عمومی در نمایشنامه که جوهره‌اش به آن وابسته است، دارای مکانیسمی منحصر به فرد است که سبب می‌شود نوعی از نگرش به جهان را باز تولید کند. از آنجا که دیالوگ پیکره اصلی یک نمایشنامه را تشکیل می‌دهد و سبب بازنمایی کنش‌ها، شخصیت‌ها و... می‌شود، نیاز اساسی‌تر به بررسی و مطالعه دارد. در مطالعات زبان‌شناسی، بررسی ارتباط ساختاری دیالوگ نیازمند الگوهای زبان‌شناختی است که این الگوها در زمره مطالعات کاربردشناسی^۳ زبان قرار می‌گیرند. به عبارتی کاربردشناسی زبان، مطالعه معنی ساختارهای زبانی در بافت موقعیت است؛ یعنی معنایی که گوینده یا نویسنده آن را نقل و شنونده یا خواننده متن برداشت می‌کند. بنابراین کاربردشناسی بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفتارهایشان سروکار دارد تا با معنی خود کلمات یا عباراتی را که به کار می‌برند و هدف کاربردشناسی منظور گوینده است.

در این پژوهش، پژوهش‌گران سعی در مطالعه و انطباق الگوهای کاربردشناسی زبان شامل تئوری ادب^۴، اصول چهارگانه گرایس^۵ و نوبت‌گیری^۶ در نمایشنامه‌های بهمن فرسی را دارند. ادب، مجموعه‌ای از روابط بین فردی به منظور تسهیل در تعامل و ارتباط است که به وسیله به حداقل رساندن برخورد و رویارویی که جزو ماهیت تبادلات انسانی است، صورت می‌گیرد (یول^۷، ۱۳۸۷: ۱۳۶-۸۲). از این رو ادب را می‌توان به عنوان مفهومی ثابت هم‌چون آداب معاشرت یا رفتار مؤدبانه اجتماعی در

-
1. Language
 2. Linguistics
 3. Pragmatics
 4. Politeness
 5. Herbert Paul Grice
 6. Turn-talking
 7. George Yule

بررسی کاربردشناختی زبان نمایشی... ۶۳۱۱۱

نظر گرفت. اصول چهارگانه گرایس که شامل چهار قاعده کمیت، کیفیت، ارتباط و شیوه است، یکی از نظریه‌های مهم کاربردشناسی به حساب می‌آید که به نقش ارتباط میان جملات و چگونگی کاربرد زبان در ارتباط با نحوه ارتباط انسان‌ها می‌پردازد و از این لحاظ در منظورشناسی و تحلیل کلام جایگاه ویژه‌ای دارد (رضویان، الهی‌پناه، ۱۳۹۹: ۴۹). نوبت‌گیری نیز نوعی کنش یا رفتار اجتماعی است که در آن هر کسی می‌تواند اختیار صحبت کردن را در دست گیرد مشروط بر آن که این اختیار از قبل تعیین شده باشد که این امر را «نوبت‌گیری» می‌گویند. هنگامی که به زبان محاوره صحبت می‌کنیم، نوبت می‌گیریم و الگوهای نوبت‌گیری که در گفت‌وگو ظاهر می‌شوند قابل بررسی و مطالعه هستند (شورت^۱، ۱۹۹۴: ۹۴۹).

بهمن فرسی (۱۳۱۲) از نمایشنامه‌نویسان معروف ایرانی است که آثار او آن‌طور که باید مورد مطالعه قرار نگرفته است. در بین نمایشنامه‌های وی، نمایشنامه گلدان را سرآغاز تئاتر ابزورد در ایران می‌دانند و بیش از هر چیز وی را به‌عنوان یک نویسنده پوچ‌گرا یا ابزورد در ایران می‌شناسند. بسیاری اعتقاد دارند که سبک نمایشنامه‌نویسی وی علی‌رغم اینکه در سال‌هایی نمایشنامه می‌نوشت که نمایشنامه‌نویسی در ایران رویکردی واقع‌گرا داشت اما با این وجود این مسیر را ادامه داد و سبب پیشرفت تئاتر ابزورد در ایران شد. از دیگر آثار نمایشی فرسی می‌توان به نمایشنامه‌های آرامسایشگاه، بهار و عروسک، پله‌های یک نردبان، موش، دو ضربدر دو مساوی بی‌نهایت، صدای شکستن و چوب زیر بغل اشاره کرد.

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که در نمایشنامه‌های فرسی، بیشتر بار دراماتیک اثر برعهده زبان است. وی در آثارش بیشترین دغدغه را برای زبان دارد؛ اینکه به چه طریقی می‌توان لایه‌های مختلف زبان را در کنار یکدیگر قرار داد. فرسی با آگاهی در انتخاب یک زبان مناسب در میان گفت‌وگوهای به‌ظاهر بی‌محتوا، جملاتی شاعرانه و ادبی، سوال و جواب‌های بی‌ربط و بحث‌وجدل‌های بیهوده، تراژدی انسان امروز را بازگو می‌کند. در میان پژوهش‌های صورت گرفته، موضوع این پژوهش از دو منظر حائز اهمیت است؛ نخست انتخاب آثار بهمن فرسی به‌عنوان یکی از نواندیشان نمایشنامه‌نویسی در ایران که آنطوری که باید و شاید به آثار وی پرداخته نشده است و دوم اهمیت مطالعه شاخه کاربردشناسی زبان در حیطه ادبیات نمایشی و نمایشنامه که علمی نوپا و به‌روز

1. Michael Short

محسوب می‌شود. بنابراین، جای چنین پژوهش‌هایی در مطالعات ادبیات نمایشی به خصوص آثار نمایشنامه‌نویسان داخلی خالی بنظر می‌رسد.

در این مقاله به سؤالات زیر پاسخ داده شده است؛

اصول کاربردشناسی زبان در آثار نمایشی بهمن فرسی چگونه نمود پیدا می‌کنند؟

در آثار نمایشی بهمن فرسی کدام اصل کاربردشناسی زبان در مکالمه بیش از سایر اصول نقض شده است؟

در کدام اثر نمایشی بین آثار مورد مطالعه پژوهش بیشترین نقض و بیشترین رعایت اصول مکالمه صورت گرفته است؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیر تاحدودی می‌توانند زمینه‌ساز و پیشینه این پژوهش محسوب شوند:

- اعرایان، بهناز، (۱۳۹۰)، بررسی نمایشنامه‌های پوچ‌گرایانه بهمن فرسی: از تأثیرپذیری تا خلق اثر، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

نگارندگان بر این اعتقاد دارند نگاه یأس‌آلود و پوچ‌باور فرسی به نوشته‌های وی ویژگی منحصر به فرد و متمایز از آثار هم‌عصر خود بخشیده و به بررسی رابطه بین فضا و عناصر آثار فرسی با دیگر نمایشنامه‌نویسان ابزورد فرانسوی می‌پردازد. در نتیجه این پژوهش، میان فضا و عناصر آثار فرسی و نمایشنامه‌نویسان ابزورد فرانسوی آن دوره، به صورت کلی و اجمالی پیوندها و اشتراکاتی از نظر ساختار برقرار شد.

- رمشکی، سعید، (۱۳۹۳)، تحلیل ساختاری و مضمونی نمایشنامه‌های بهمن فرسی، کارشناسی ارشد، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان.

پژوهشگران ضمن معرفی اجزای ساختاری نمایشنامه، مکتب ساختارگرایی و تئاتر ابزورد به معرفی الگوهای ساختاری حاکم بر نمایشنامه‌های بهمن فرسی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر پرداخته‌اند. در نتیجه این پژوهش، فرسی در برخی از نمایشنامه‌هایش تحت تأثیر تئاتر ابزورد بوده و پیرنگ علت و معلولی رایج در تئاتر سنتی را کنار گذاشته و لایه‌های فکری و عقیدتی نمایش را تقویت کرده است.

- رحیمی، فرزانه، (۱۳۹۴)، بررسی نشانه‌های ابزوردیسم در نمایشنامه‌های بهمن فرسی با تمرکز بر

نمایشنامه‌های گلدان و آرامسایشگاه، کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران.

بررسی کاربرد شناختی زبان نمایشی... ۶۵۱۱۱

این پژوهش ضمن تحلیل و بررسی مؤلفه‌های تئاتر ابزورد، در پاسخ به این سوال که چه مؤلفه‌هایی از تئاتر ابزورد در نمایشنامه‌های بهمن فرسی قابل بررسی است نگارندگان نتیجه می‌گیرند که زبان، ساختار، پیرنگ و شخصیت‌های او از نمایشنامه‌های واقعیت‌گرایانه کاملاً فاصله گرفته و به تئاتر ابزورد نزدیک شده است.

- قویدل، هومن، (۱۳۹۷)، تحلیل نظریه قدرت در سه نمایشنامه آرامسایشگاه، پله‌های یک نردبان و گلدان نوشته بهمن فرسی از منظر میشل فوکو، کارشناسی ارشد، دانشگاه سوره تهران.

این پژوهش نیز با در نظر گرفتن قالب ادبیات و دارا بودن این قابلیت که ادبیات می‌تواند توصیفی از وضعیت اجتماعی جامعه را در یک دوره خاص ارائه کند، ریشه‌های قدرت در روابط آدم‌های سه نمایشنامه مذکور را بررسی کرده و در نتیجه آن ریشه‌های قدرت در شخصیت‌های نمایشی فرسی با توجه به جایگاه آن‌ها شناسایی شده‌اند.

- بنی‌صفر، نگار، (۱۳۹۷)، واکاوی مفهوم خواست و چگونگی نمود آن در زبان نمایشی با تکیه بر منتخبی از نمایشنامه‌های بهمن فرسی در دهه چهارم شمسی با رویکرد نشانه‌شناسانه، کارشناسی ارشد، دانشگاه سوره تهران.

در این پژوهش ابتدا توضیح میل و چگونگی نمود آن از زبان فروید و سپس لکان را از مظهر می‌گذرانیم و در نهایت چگونگی ظهور میل در زبان نمایشی با رویکرد نشانه‌شناسانه و با استفاده از نظریات ژاک لکان را مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نتیجه این پژوهش مشخص می‌شود که استفاده از زبان استعاره و دوپهلوگویی در نمایشنامه‌های فرسی به دلیل سرکوب موجود در بازه تاریخی در دهه چهارم ایران بوده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر پژوهشی نظری و بنیادی است و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در این پژوهش پنج اثر نمایشی بهمن فرسی به عنوان نمونه‌های موردی تحلیل و بررسی می‌شوند:

- گلدان (۱۳۹۴) تهران، انتشارات: بیدگل.

- بهار و عروسک (۱۳۹۴) تهران، انتشارات: بیدگل.

- چوب زیر بغل (۱۳۹۴) تهران، انتشارات: بیدگل.

- دو ضربدر دو مساوی بی‌نهایت (۱۳۹۴) تهران، انتشارات: بیدگل.

- پله‌های یک نردبان (۱۳۹۴) تهران، انتشارات: بیدگل.

ابزارهای گردآوری اطلاعات این پژوهش عبارت است از کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و یادداشت‌هایی از منابع مختلف.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز در این پژوهش کیفی و کمی است. به عبارتی استدلال‌های ارائه شده در بررسی دیالوگ‌های نمایشنامه بر تفسیر داده‌ها استوار است و پژوهش‌گران با گردآوری داده‌ها در پنج نمایشنامه مذکور، به تحلیل و ارزیابی چارچوب‌های نظری پرداخته‌اند. این پژوهش براساس نظریات کاربردشناسی زبان به تحلیل متن پرداخته و از مباحث مهم در این تحلیل اصول همکاری گرایس، نظریه ادب و نظریه نوبت‌گیری است. لازم به ذکر است که به منظور جلوگیری از اضافه‌گویی و حجم بیش از حد مطالب، پژوهش‌گران به ارائه نمونه‌های موردی برای قسمتی از چارچوب نظری نمایشنامه به تعداد یک مورد و برای هر نمایشنامه نیز به دو تا شش نمونه موردی بسنده کرده‌اند. در قسمت نتیجه‌گیری پژوهش هم جدول و نمودار عددی به منظور بررسی بهتر داده‌ها ارائه شده است.

چارچوب نظری پژوهش

کاربردشناسی به‌عنوان یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی محض به بررسی معنی پاره‌گفتارها در درون بافت می‌پردازد. پاره‌گفتارهایی که با ارجاع به ویژگی‌های به‌خصوص بافت، از جمله موقعیت افراد مشارک در کلام و پیش‌زمینه‌ای که گویندگان نسبت به موضوع و یکدیگر دارند، امکان ایجاد یک معنی به‌خصوص را فراهم می‌کنند. به اعتقاد یول کاربردشناسی علاوه بر تکیه بر جنبه‌های کاربردی، به هماهنگی رمزگان با انواع بافت و در کل به مطالعه زبان به‌عنوان گفتمان نظر دارد (یول، ۱۳۸۷: ۱۸). بنابراین کاربردشناسی، معنی را به‌هنگام کاربرد و در ارتباط با جهان خارج مورد مطالعه قرار می‌دهد. جملات اگر در موقعیت مناسب خود به کار نروند، نمی‌توانند در ایجاد ارتباط سهمی داشته باشند. ما در مقام گوینده می‌دانیم در هر موقعیتی چگونه صحبت کنیم و در مقام مخاطب نیز می‌دانیم در برابر آن‌چه می‌شنویم چه واکنشی نشان دهیم. فرزانه سجودی نیز معتقد است که متن در بافت محقق می‌شود و بافت متن را می‌آفریند (سجودی، ۱۳۸۶: ۲۰۶). از این جهت معنی را هرگز نمی‌توان مستقل از بافت دانست چرا که محیط خارج از زبان بر معنی جملات زبان تأثیرگذار است و معنی واژه‌ها در موقعیت‌های مختلف متفاوت است. افزون بر واژه‌ها جملات نیز می‌توانند مقید به بافت موقعیت باشند.

یعنی درک مفهوم آن‌ها تنها از طریق شرایطی امکان‌پذیر است که حاکم بر تولید آن‌ها است و معنای ضمنی جملات نیز در بافت قابل درک هستند. برای نمونه دو مثال زیر نوعی از این قابلیت هستند:

نمونه ۱: الف) می تونی یکم پول بهم قرض بدی؟

ب) برو کیف پول مو بیا... (بله)

نمونه ۲: الف) تلفن داره زنگ می زنه (تلفن را بردار)

ب) دارم دوش می گیرم... (نمی توانم)

از آن‌جا که یکی از حوزه‌های اصلی کاربردشناسی تحلیل مکالمه است، محققان تحلیل مکالمه به مکالمات طبیعی بسیار اهمیت می‌دهند و از نظر آنان اگرچه مکالمات به ظاهر تصادفی هستند اما در واقع از یک انسجام و نظم برخوردارند. به اعتقاد شگلوف^۱ سخن به‌عنوان موقعیتی برای بروز خوی اجتماعی فرد عمل می‌کند (وارد هو و فولر، ۲۰۱۵: ۴۳). البته کاربردشناسی متفاوت از زبان‌شناسی اجتماعی قلمداد می‌شود، اگرچه موضوعات مورد بررسی آن‌ها باهم هم‌پوشانی پیدا می‌کند. به‌صورت خاص می‌توان به این موضوع اشاره کرد که چگونه شخصیت و نوع رابطه افراد حاضر در مکالمه بر روی نوع انتخاب آن‌ها از زبان تأثیرگذار بوده و چگونه این انتخاب‌های زبانی درک و برداشت می‌شوند. از این رو کاربردشناسی به‌عنوان شاخه‌ای نوین از زبان‌شناسی، تحت تأثیر نظریات نظریه پردازان برجسته‌ای هم‌چون جفری لیچ^۲، براون^۳ و لوینسون^۴ با طرح تئوری ادب، پل هربرت گرایس با طرح مسئله اصول همکاری در مکالمه و هیرشمن^۵ و شورت با طرح مسئله نوبت‌گیری در کلام بوده و بسط داده شده است.

۱. رعایت یا نقض اصول چهارگانه گرایس

نظریه گرایس یکی از نظریه‌های مهم کاربردشناسی است که به نقش ارتباطی جمله‌ها و چگونگی کاربرد زبان در ارتباط با انسان‌ها می‌پردازد و از این لحاظ در منظورشناسی و تحلیل کلام جایگاه ویژه‌ای دارد. گرایس معتقد بود که در مکالمه باید براساس اصل کلی عمل شود و گوینده و شنونده به‌صورت مشترک در فعالیتی مشارکت دارند که هر دو به نسبت مساوی بهره می‌برند. اصل همبستگی

1. E. Schegloff

2. Geoffrey Neil Leech

3. Brown

4. Levinson

5. L. Hirschman

گرایس شامل چهار شرط مکالمه‌ای^۱ است؛ اصل کیفیت^۲، اصل شیوه بیان^۳، اصل ارتباط^۴ و اصل کمیت^۵.

اصل کیفیت به درستی و راستی در گفتار می‌پردازد و بر طبق آن مشارکت براساس واقعیت و راستگویی در مکالمه شکل می‌گیرد. به اعتقاد یول دروغ و جملات فاقد استناد کافی از مهم‌ترین عوامل نقض‌کننده اصل کیفیت در مکالمات محاوره‌ی روزمره هستند (یول، ۱۳۸۷: ۶۹). برای نمونه:

الف) اسب چند کیلویه؟

ب) فکر کنم یه اسب معمولی تقریباً ۳۰۰۰ کیلو وزن داشته باشه!
کلمه «تقریباً» نشان‌دهنده آن است که گوینده نسبت به صحت کلام خویش اطمینان لازم را ندارد و سبب نقض اصل کیفیت در مکالمه می‌شود.

اصل شیوه بیان به شفاف و واضح سخن گفتن اختصاص دارد. به اعتقاد گرایس آنچه که بیان می‌شود باید برای شخصی که با آن مکالمه صورت می‌گیرد، مناسب باشد (واردهو و فولر، ۲۰۱۵: ۵۱-۵۲). کلمه مناسب در این جا باید دارای چهار ویژگی قابل فهم بودن، صریح و خلاصه بودن، پرهیز از ابهام و ترتیب در بیان مطالب است. مصداق‌های بارز نقض اصل شیوه بیان در مکالمات استفاده از جملات مبهم و با کنایه است (همان: ۶۹). برای مثال:

الف) کی رفتی استخر؟
ب) پرویز... جای سوزن انداختن نبود چه برسه به شنا کردن!
عبارت «جای سوزن انداختن نبود» کنایه از نبودن فضای کافی برای شنا کردن است و وجود این جمله سبب ایجاد ابهام معنایی و در نتیجه نقض اصل شیوه بیان شده است.

اصل ارتباط به مرتبط بودن موضوع و بی‌ربط نبودن سخن در مکالمه اختصاص دارد. اصل ارتباط به ما می‌گوید که آنچه می‌گویید باید مرتبط باشد. این اصل بسیار روشن می‌نماید گاهی چیزهایی می‌گوییم که به نظر می‌رسد هیچ ارتباطی به هم ندارند و در ظاهر بی‌ربط‌اند اما در حقیقت مرتبط‌اند.

-
1. Conversational Maxim
 2. Quality
 3. Manner
 4. Relevance
 5. Quantity

بررسی کاربردشناختی زبان نمادشی... ۶۹۱۱۱

اینجا جایی است که رفتار ما به طور مستقیم از درک منطقی ما ناشی می شود. برای مثال من می گویم: «بنزینم تموم شده» و دوستم در جواب می گوید: «یه گاراژ همین اطرافه». به عقیده گرایس هدف چنین نمونه هایی درک لغوی کلمات تشکیل دهنده نیست بلکه شنونده براساس ارتباطی که با بافت موقعیت برقرار می کند، پاسخ می دهد. مصداق های بارز نقض اصل ارتباط در مکالمه پاسخ های بی ربط و جواب سر بالا است (همان: ۶۹). برای مثال:

الف) ببخشید... اون پیراهن قیمتش چنده؟

ب) قابل تون رو نداره

عبارت «قابل تون رو نداره» در این مکالمه، با سؤالی که پرسیده شده است، ارتباطی ندارد و اطلاعات لازم و کافی را در خصوص سؤال مطرح شده در اختیار پرسش گر قرار نمی دهد و تنها جنبه تعارف و احترام دارد.

اصل کمیت به بیشتر و کمتر از حد نیاز سخن گفتن اختصاص دارد. گرایس معتقد بود که در مکالمه باید آن مقدار اطلاعاتی رد و بدل شود که اشخاص فکر می کنند مناسب است. اطناب کلام، زیاده گویی و گمراه کردن مخاطب از مصداق های بارز نقض اصل کمیت در مکالمه است (یول، ۱۳۸۷: ۷۰). برای مثال:

الف) سلام... من دانشجوی این کلاس! شما چطور؟

ب) سلام... بله! منم دانشجوی این کلاس!

عبارت «منم دانشجوی این کلاس» عبارتی اضافی است. در واقع کلمه «بله» مفهوم را به شکل کامل می رسد و تکرار عبارت «منم دانشجوی این کلاس» زیاده گویی بوده و سبب نقض اصل کمیت در مکالمه شده است.

۲. رعایت یا نقض اصل ادب

نظریه ادب از دیگر نظریات مهم کاربردشناسی است که به حوزه آداب معاشرت و رفتار مؤدبانه می پردازد. به اعتقاد یول ادب، مجموعه ای از روابط بین فردی به وسیله تسهیل تعامل و ارتباط است که به منظور به حداقل رساندن تنش و برخورد که جزو ماهیت تبادلات انسانی است، صورت می گیرد (یول، ۱۳۸۷: ۸۲). برای رفتار مؤدبانه در تعامل با اجتماع به عنوان یک فرهنگ خاص، می توان اصول گوناگونی را شناسایی کرد. بعضی از این اصول عبارت است از: مدبر بودن، گذشت کردن، و حس

همدردی نسبت به دیگران (فرشته حکمت، ۱۳۹۲: ۲۵). بنابراین در یک ارتباط کلامی اگر ملاحظه شأن اجتماعی مخاطب و یا بافت موقعیت مد نظر باشد، اصل در پیروی از قاعده ادب و حفظ وجهه مخاطب خواهد بود. در دنیای نمایشنامه و درام، بی ادبی در دیالوگ‌های نمایشی بسیار جلب توجه می‌کند و به نوعی عملکرد آن، موجب درگیری بین کاراکترها است و این هارمونی سبب جذب تماشاگر و باعث حرکت رو به جلوی پلات نمایشی می‌شود (فرشته حکمت، ۱۳۹۲: ۲۶). در نهایت نیز، توطئه‌چینی و خشم کاراکترها بیشتر در دیالوگ نمود پیدا می‌کند. البته در درام، بی ادبی به صورت تصادفی اتفاق نمی‌افتد و از این رو برای سرگرمی مخاطب نیست. به همین دلیل درگیری اغلب بین کاراکترها به عنوان نوعی نماد ظاهر می‌شود (شورت، ۱۹۹۸: ۸۳). به عبارت بهتر نقض اصول ادب در درام به هدف سرگرم کردن مخاطب صورت نمی‌گیرد بلکه به کارگیری این فن کاربردهای مؤثرتر و گسترده‌تری دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به کشمکش بین شخصیت‌ها و پیشرفت پلات در نمایشنامه اشاره کرد. نقض اصول رعایت ادب اغلب در نمایشنامه‌ها براساس توهین‌های لفظی صورت می‌گیرد.

۳. رعایت یا نقض اصل نوبت‌گیری

اصل نوبت‌گیری یکی از جنبه‌های مهم حوزه ارتباط است که به رعایت برخی از نکات اساسی ارتباطی بستگی دارد. از آن‌جا که نحوه به کارگیری این اصول با اصل ادب و نزاکت اجتماعی رابطه مستقیم دارد، رعایت به‌جا و صحیح آن‌ها موجب ارتباط مؤثرتر و موفق‌تر و در نتیجه اثربخشی مطلوب‌تر پیام خواهد شد (آنی‌زاده و غیاثیان، ۱۳۹۵: ۶۱). نظریه نوبت‌گیری در یک ارتباط کلامی برای توزیع نوبت‌های سخنرانی در جریان یک مکالمه است. به کمک این نظریه می‌توان درک بهتری از ساختار مکالمات روزمره و روش‌های تعامل کنشی بین سخنگوها به دست آورد. لوینسون معتقد است:

مکالمه در اصل با نوبت‌گیری شناخته می‌شود. شرکت‌کننده اول حرف می‌زند، سکوت می‌کند و شرکت‌کننده دوم آغاز می‌کند، حرف می‌زند و سکوت می‌کند. و به این صورت ما به توزیع اول - دوم - اول - دوم - اول - دوم از کلام دو شرکت‌کننده می‌رسیم (لوینسون، ۱۹۸۳: ۲۹۶).

بنابراین در یک گفت‌وگو، هر فرد باید منتظر نوبت خود باشد تا صحبت کند. زمانی که فردی نوبت دیگری را می‌گیرد و در صحبت خود جلو می‌زند، اصل نوبت‌گیری را نقض کرده است. بنابراین اگر نوبت‌گیری در گفت‌وگو با تداخل در سخن گفتن همراه باشد، اصل نوبت‌گیری نقض

بررسی کاربردشناختی زبان نملدشی... ۷۱۱۱۱

شده و در اصطلاح قطع کلام یا گفتار رخ می‌دهد. در قطع کلام، شخص دوم آگاهانه یا ناآگاهانه، زمینه صحبت کردن را از شخص اول می‌گیرد و به صحبت خود ادامه می‌دهد. در واقع می‌توان گفت قطع کلام زمانی رخ می‌دهد که سخنگوی دوم در بین صحبت‌های سخنگوی اول شروع به حرف زدن کند در حالی که صحبت نفر اول هنوز به‌طور کامل تمام نشده و او ناچار است حرفش را نیمه‌تمام بگذارد و قطع‌کننده به صحبتش ادامه دهد (رضایی، ۱۳۸۳: ۶). قطع کلام ممکن است که تحت تأثیر عوامل بسیاری از جمله اعمال قدرت، جنسیت، سبک گفت‌وگو، تفاوت‌های فرهنگی، شرایط حاکم بر گفت‌وگو و نحوه نوبت‌گیری صورت گیرد (افتخاری، ۱۳۷۸: ۳۹). برای مثال:

الف) هنوز حاضر نشدی؟

ب) نه

الف) دیره‌ها... الانه که...

ب) می‌بینی که...

الف) همیشه خدا دیر حاضر می‌شی... بجناب!

در این مکالمه قطع کلام بین دو شخصیت الف و ب صورت گرفته است و هر دو، اصل نوبت‌گیری را در مکالمه نقض کرده‌اند.

تحلیل یافته‌های پژوهش

نمونه اول: نمایشنامه گلدان

شخصیت‌های نمایشنامه عبارت‌اند از: دختر، پسر، پدر دختر، مادر دختر، همسایه، انسان لنگ، انسان کور و کودک ولگرد.

داستان نمایشنامه گلدان در پنج پرده اتفاق می‌افتد و مربوط به دختری است که مادرش را از دست داده و با پدرش در خانه‌ای حیاطدار با دیوارهای کوتاه زندگی می‌کند. پدرش تفکری مردسالارانه دارد و دختر را نتیجه مادری خیانت‌پیشه می‌بیند. از این رو مانع بزرگی به سر راه دختر قرار می‌دهد و او را هم‌چون پرستاری، موظف به مراقبت از خود می‌داند. در این بین پسری عاشق دختر می‌شود و اوقاتی که پدر در خانه نیست، به صورت پنهانی به دیدار دختر می‌آید. پسر سخت عاشق دختر می‌شود و به او پیشنهاد می‌دهد که باهم فرار کنند ولی دختر پیشنهاد وی را نمی‌پذیرد و می‌گوید که باید در کنار پدر بیمارش باشد و او را پس می‌زند. گویی دختر به این بند پدر عادت کرده است. تا این که

۷۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

پدرش می‌میرد و زین‌پس دختر احساس رهایی می‌کند و خود را متعلق به پسر می‌داند. تصمیم به فراموشی و رهایی از هر آنچه که از سرگذرانده می‌گیرد و صندلی پدرش را به بیرون از خانه منتقل می‌کند و اکنون آمادگی وصال با پسر عاشق را دارد و خود را از بند پدر رها شده می‌داند. اما پسر عاشق پیشه دیگر عاشق او نیست و این بار او دختر را طرد می‌کند. دختر اکنون برمی‌گردد به نزد صندلی پدر و آن را در آغوش می‌گیرد چنان که گویی از میانه دزدی بزرگ، به میانه دزدی بزرگ‌تر منتقل شده است.

نمونه‌های موردی این نمایشنامه عبارت‌اند از:

نمونه موردی شماره ۱ (نقض اصل کمیت):

دختر: خب... شنیدم، بیا تو!

پسر: خودت هستی؟

دختر: خودم... خودم (فرسی، ۱۳۹۴، ج ۱۹).

پاسخ تکراری دختر در مکالمه قبل سبب نقض کمیت شده و می‌توانست با پاسخ «آره»، از تکرار و زیاده‌گویی در مکالمه بکاهد.

نمونه موردی شماره ۲ (نقض اصل کیفیت):

پسر: خونه‌ای؟

دختر: نه (در حالی که خانه است)

پسر: هوم... تنهایی؟

دختر: آره... نه! (در حالی که تنهاست)

پسر: خب باشه... لخت که نیستی؟

دختر: چرا! (در حالی که لباس بر تن دارد) (همان: ۵-۶).

در این مکالمه که پسر قصد ملاقات با دختر را دارد، به منظور دیدار با وی پشت در خانه دختر منتظر می‌ماند تا او در را به رویش باز کند ولی دختر از این کار امتناع می‌کند و در ادامه دروغ‌های آشکار و پی‌درپی دختر در سؤال و جواب با پسر سبب نقض اصل کیفیت در مکالمه می‌شود.

نمونه موردی شماره ۳ (نقض اصل ارتباط):

بررسی کاربردشناختی زبان نملیشی... ۷۳۱۱۱

همسایه: چه آزاد، چه آرام و سبک و بی درد و بی وسوسه خوابیده پدرتون... نه واقعاً شما فکر می‌کنی بشر تو زندگی‌ش فکر هم می‌کنه؟ نه ابداً... راستش وسوسه است، وسوسه می‌کنیم. بکنم؟ نکنم؟ بخوام؟ نخوام؟ بگم؟ نگم؟ این اسمش فکر نیست، نظر شما چیه؟

دختر: زنتون کی رفته حموم؟

همسایه: بله؟ ها... هه‌هه‌هه! من چه احمق‌ام! (با خودش) از کی دارم چی می‌پرسم... (همان: ۱۷). در این مثال مرد همسایه به همراه بچه کوچکش به بهانه‌ی این که زنش خانه نیست و بچه مدام بی‌قراری و گریه می‌کند، به خانه‌ی دختر آمده تا بچه را برایش ساکت کند. مرد علاقه‌ی زیادی به صحبت کردن با دختر دارد ولی دختر برعکس مرد، حوصله‌ی صحبت کردن با او را ندارد و به همین دلیل سؤال بی‌ربط می‌پرسد و منجر به نقض اصل ارتباط در مکالمه می‌شود.

نمونه‌ی موردی شماره ۴ (نقض اصل شیوه بیان):

دختر: دِ برو گم شو... از سر دیوار برو... این دیوارها تا وقتی تو بخوای هستن... به در آمیخته شده‌ای هان؟ فقط وقتی می‌ری دزدی در رو از یاد می‌بری... تف! پهلوون سر بزنگاه...

(همسایه وحشت‌زده بخاطر آبرویش از سر دیوار می‌جهد و ناپدید می‌شود) (همان: ۱۸).

در این نمونه‌ی موردی دختر از سؤال و جواب‌های بی‌اساس همسایه به ستوه آمده و او را از خانه‌اش بیرون می‌کند. لحن کنایه‌آمیز دختر و استفاده از کلماتی هم‌چون «پهلوون سر بزنگاه» سبب نقض اصل شیوه بیان در مکالمه شده است.

نمونه‌ی موردی شماره ۵ (نقض اصل رعایت ادب):

همسایه: نازی... نازی... (بچه هم‌چنان گریه می‌کند و به پدر اعتنایی نمی‌کند)

دختر: بدیدش به من... (بچه را از همسایه می‌گیرد و توی حیاط قدم می‌زند. بچه ساکت می‌شود)

همسایه: تف به اون روت بیاد... بی‌حیا... بگو آخه تو چی می‌فهمی که حالا رفتی بغل یه همجنس ننه‌ت؟ هان؟ (به دختر) ببخشید ها، خیلی عذر می‌خوام، آخه می‌بینی چه بی‌مقدمه عرعرش رو بریدی؟ (همان: ۱۵).

در این نمونه همسایه که به بهانه‌ی خانه نبودن زنش همراه با بچه کوچکش به حیاط خانه‌ی دختر آمده و از گریه و بی‌قراری بچه در نبود مادرش خسته شده، بچه را به دختر می‌دهد تا آرامش کند. بچه که در

آغوش دختر آرام می‌شود، همسایه از فرط حسادت به دختر شروع می‌کند به توهین‌های لفظی به بچه کوچکش و اصل رعایت ادب در مکالمه را نقض می‌کند.

نمونه موردی شماره ۶ (نقض اصل رعایت نوبت گیری):

پسر: بابات که خونه نیست... من اومده بودم که...

دختر: خوب بود از پشت بوم می‌اومدی، آگه بفهمه باز تو اومدی اینجا منو می‌کشه! (همان: ۶).

در این مورد پسر به‌طور پنهانی و به‌دور از چشم پدر دختر وارد خانه دختر می‌شود و دختر نیز شکه از آن که پسر بهتر بود به جای در از پشت بام وارد شود، در همان ابتدا کلام پسر را قطع می‌کند و منجر به نقض نوبت گیری در مکالمه می‌شود.

نمونه دوم: نمایشنامه بهار و عروسک

شخصیت‌های نمایشنامه عبارت‌اند از: زن، مرد و مرد خیابان.

نمایشنامه بهار و عروسک یک نمایشنامه تک پرده‌ای است و داستان یک زن و یک مرد را به تصویر می‌کشد که در گذشته زن و شوهری عاشق بوده‌اند اما رابطه‌شان به‌طور ناخواسته‌ای تمام شده و از هم جدا شده‌اند. داستان نمایش از زمان حال آغاز می‌شود و جایی که مرد برای پیشنهاد بازی کردن یک نقش جدید، با زن تماس می‌گیرد ولی مکالمه آن‌ها به سمت یاد خاطرات گذشته می‌رود. هر دو آن‌ها در گذشته بازیگر تئاتر بوده‌اند و به یاد گذشته، زن بازی در نقش جدید را می‌پذیرد و بدین ترتیب مرد برای اجرای نمایش به خانه زن می‌رود. در طول نمایشنامه زن نقش یک عروسک کوچک را بازی می‌کند که همیشه شاد و خندان است و در تلاش است که شوهر را درگیر خاطرات خوب گذشته کند. اما مرد که نقش یک عروسک بزرگ را بازی می‌کند، در نمایش فقط به دنبال کسب موفقیت و پول در زندگی است و خاطرات گذشته را کم‌تر به‌خاطر می‌آورد. به تدریج با جلورفتن نمایش زن و مرد، برخی جزئیات از زندگی گذشته آن‌ها آشکار می‌شود و مرد در گذشته نیز بیشتر به کار و تفریح خود اهمیت داده تا به زن و همین عامل سبب جدایی آن دو از همدیگر شده است. اما با این وجود مرد همچنان نتوانسته زن را فراموش کند و در طول اجرای نمایش از او می‌خواهد که تصمیم‌اش را بگیرد و از نو رابطه‌شان را شروع کنند. زن نیز اعتراف به دوست داشتن مرد می‌کند و در نهایت با تمام تناقض‌هایی که با مرد دارد، تسلیم عشق می‌شود. نمایشنامه بهار و عروسک به‌طور کلی به مبحث اعتبار عشق و تأثیر برگشت به گذشته در یک رابطه می‌پردازد و در نهایت با

بررسی کاربردشناختی زبان نمایشی... ۷۵۱۱۱

اشاره به این نکته که آیا زن و شوهر می‌توانند به تکرار خاطرات گذشته بازگردند یا نه، هر دو از نو شروع می‌کنند.

نمونه‌های موردی این نمایشنامه عبارت‌اند از:

نمونه موردی شماره ۷ (نقض اصل کمیت):

زن: دیگه فرمایشی ندارین؟

مرد: فرمایش؟ نه! (فرسی، ۱۳۹۴، ج ۳۳).

نمونه موردی شماره ۸ (نقض اصل نوبت‌گیری):

زن: خب؟

مرد: تشریف دارند؟

زن: کی؟

مرد: اووووم...

زن: نخیر... تشریف ندارن (همان: ۳۱).

نمونه سوم: نمایشنامه چوب زیر بغل

شخصیت‌های نمایشنامه عبارت‌اند از: مرد تاریخ، دختر، پهلوان، شاهد، روستایی، مرد طومار، زن سیاهپوش، مرد چاق، مرشد.

داستان نمایشنامه چوب زیر بغل در دو پرده اتفاق می‌افتد که در آن شخصیت پهلوان به‌عنوان شخصیت اصلی داستان، علی‌رغم قد و قواره بلند، به‌جای بازی در نمایش‌های کهن فارسی، به‌عنوان یک شخصیت کاملاً عادی در انتظار پاسخ به سؤالاتش است و به زنجیری بسته شده است که دو سر آن به زمین و آسمان می‌رسد. زنجیری که حاصل سؤالات ذهنی وی است و نه اجازه پرواز در آسمان را می‌دهد و نه او را بر روی زمین رها می‌سازد. پهلوان اسیر داستان که پاسخی از آسمان دریافت نمی‌کند، امیدش را از دست می‌دهد. در این بین شخصیت‌های دیگر داستان که به‌صورت گذرا از مسیر عبور می‌کنند، با پهلوان آشنا شده و هر یک نیز هم‌چون پهلوان در پی یافتن پاسخ سؤالات خود هستند. در نهایت هیچ‌کدام از شخصیت‌ها پاسخی دریافت نمی‌کنند و همگی مأیوسانه به زندگی خود ادامه می‌دهند. پهلوان نیز که امید خود را به کلی از دست داده است، با دختری رهگذر آشنا می‌شود که ادعا می‌کند پهلوان در انتظار او بوده است. دختر که در آرزوی یک زندگی معمولی است،

۷۶ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

مشکلات زیادی را در زندگی تجربه کرده و برادرش او را از خانه بیرون کرده است. در پایان داستان، دختر پهلوان را متقاعد می‌کند که از ابتدا منتظر او بوده است و خود او نیز بخاطر وی به آن جا آمده است. در نهایت با اصرار دختر، پهلوان دختر را همراه خودش به سوی مکانی پر از آرامش می‌برد. به عبارتی نمایشنامه چوب زیر بغل پوچ بودن انتظار انسان را به نمایش می‌گذارد و در پایان به این نکته اشاره می‌کند که هر چیزی می‌تواند انتظار انسان را تحت تأثیر قرار دهد (رمشکی، شاکری و فغفوری، ۱۳۹۳: ۹۲).

نمونه‌های موردی این نمایشنامه عبارت‌اند از:

نمونه موردی شماره ۹ (نقض اصل کیفیت):

زن سیاهپوش: چند کلاس سواد خونده‌این؟

شاهد: نمی‌دونم... راستش من هنوز سواد خوندم تموم نشده! (فرسی، ۱۳۹۴، ب ۳۴).

نمونه موردی شماره ۱۰ (نقض اصل رعایت ادب):

روستایی: پیغوم دادم عوض زمین مون رو ننه‌م از اداره سد بگیره، پاشه بیاد شهر. گاهه رو هم دادیم به یکی که می‌رفت ده باهاش کار کنه... یه کشکی، قره‌قورودی هر از گاه واسه مون بفرسته!

پهلوان: بی سیاست نادون... زمین که واسه دهاتی عوض نداره! زمین رو نمی‌شه با این کاغذای پشت گلی شهری جماعت تاخت زد... زمین زمینه... یعنی هست و نیستات... یعنی رگ و ریشه‌ت... یعنی نژاد و نَسَبات! (همان: ۱۸).

نمونه موردی شماره ۱۱ (نقض اصل نوبت گیری):

پهلوان: خانم سرگرد لابد یه گرفتاری داشته! حالا از نو برگرد یه سر دیگه پیش‌اش شاید اِندفه...

روستایی: نه فایده نداره. حتمنی...

پهلوان: پس حالا می‌خوای چی کار کنی؟ (همان: ۱۹).

نمونه چهارم: نمایشنامه دو ضربدر دو مساوی بی نهایت

شخصیت‌های این نمایشنامه عبارت‌اند از: شاعر سابق، پیشخدمت، آدم‌های فرضی، آدم‌های کمکی. دو ضرب در دو مساوی بی نهایت یک نمایشنامه تک‌پرده‌ای است که در آن زندگی شاعری را به نمایش می‌گذارد که از سر ناچاری درگیر زندگی کارمندی شده و از اوضاع کاری خود مدام گلایه و شکایت می‌کند. داستان نمایش از جایی آغاز می‌شود که شاعر مشغول پاسخ دادن به تماس‌های

بررسی کاربرد شناختی زبان نملیشی... ۷۷\۱۱

تلفنی پی در پی اداره است و بی حوصله و از سر اجبار سعی می کند کار مردم را حل کند. در پایان داستان، شاعر شیفته صدای یکی از متصدی های مصاحبه برای کار می شود و به هوای گذشته خودش و عشقی قدیمی، زندگی کارمندی را برای همیشه رها می کند و به شغل اصلی خودش یعنی شاعری روی می آورد.

نمونه های موردی این نمایشنامه عبارت اند از:

نمونه موردی شماره ۱۲ (نقض اصل شیوه بیان):

شاعر: شب آگه حالش رو داشتم، می آم چار تا پک تو فرکانس دنده هوا می زنیم تو منخرین. اما خیالت راحت باشه که بازم بهت می گم نه... (فرسی، ۱۳۹۴، ب ۵۵).

نمونه موردی شماره ۱۳ (نقض اصل رعایت ادب):

شاعر: ... روزی هشت ساعت زندگی مو فروختم به شما دیوئا و باید براتون کار کنم... (مکت) تو گه خوردی مٹ من باشی. تو می دزدی. فلسفه ش هم واسه خودت راست وریس کردی... (همان: ۵۲).

نمونه پنجم: نمایشنامه پله های یک نردبان

شخصیت های این نمایشنامه عبارت اند از: باباحیدر - انباردار شرکت اشراق، چراغعلی - انباردار شرکت طلوع، حسن - پسر باباحیدر، احمد - هم درس حسن، ولی الله - انباردار جدید شرکت اشراق، امنیه پیر، امنیه جوان، پیشکار شرکت برق، شوفر شرکت اشراق، رئیس پاسگاه ژاندارمری.

داستان نمایشنامه پله های یک نردبان در سه پرده اتفاق می افتد. باباحیدر که فردی ساده و انباردار شرکت بزرگی به نام اشراق است، به جرم دزدی از انبار توسط امنیه ژاندارمری بازداشت شده و از او بازجویی می کنند. بعد از دستگیری باباحیدر، برای او پاپوش سیاسی دوخته و وی را از شرکت نیز اخراج می کنند. در حین بازجویی، باباحیدر تمام اتهامات را رد کرده و از رئیس پاسگاه ژاندارمری می خواهد تا به او فرصت دهد که قضیه را از طریق پسرش حسن پیگیری کند. در این میان شوفر شرکت اشراق نیز اصرار می کند که با ضمانت وی، باباحیدر مدت کوتاهی را بیرون از زندان باشد تا تکلیف دزدی از انبار شرکت را خودش و پسرش مشخص کنند. در پایان داستان مشخص می شود که باباحیدر بی گناه بوده و شرکت اشراق می خواسته که اجناس را به خودش بفروشد و این کار را از طریق چراغعلی، انباردار شرکت طلوع انجام داده است.

۱۷۸ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

نمونه‌های موردی این نمایشنامه عبارت‌اند از:

نمونه موردی شماره ۱۴ (نقض اصل کمیت):

امنیۀ پیر: ... این سارق که باهاش دست‌به‌یکی کرده‌ی کیه؟

باباحیدر: دست‌به‌یکی؟ سارق؟ به پیر، به مولا...

امنیۀ پیر: خفه شو... پرت نگو (فرسی، ۱۳۹۴: ۲۲).

نمونه موردی شماره ۱۵ (نقض اصل ارتباط):

امنیۀ جوان: بینم... غیر از خودت کس دیگه‌ای هم اینجا هس؟

باباحیدر: (به امنیۀ پیر) هم قطارت چه شه؟ عربده می‌کشه... (همان: ۷).

نمونه موردی شماره ۱۶ (نقض اصل نوبت‌گیری):

حسن: چرا رمزی حرف می‌زنی؟

احمد: والالا، این بابایی که من شنیده‌م...

حسن: اما نشناخته‌ایش... (همان: ۵۶).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

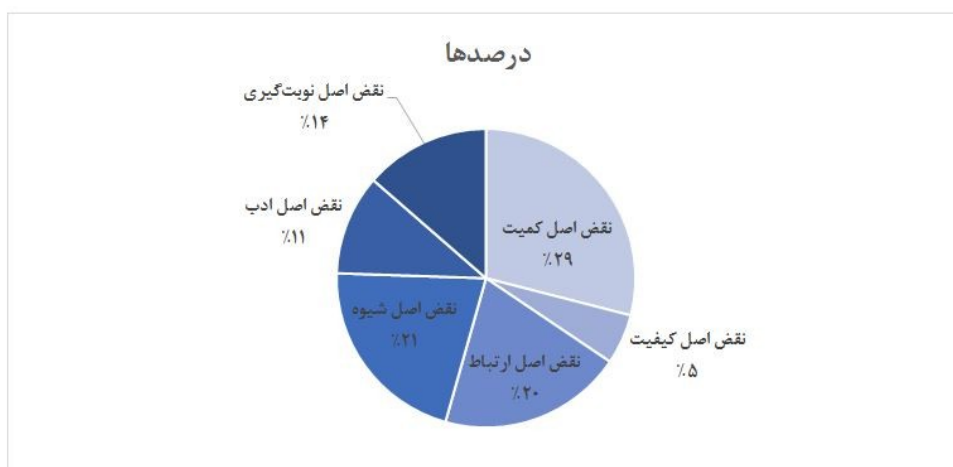
با استناد به جدول شماره ۱ می‌توان چنین نتیجه گرفت که در هر پنج اثر مورد مطالعه پژوهش، میزان قابل توجهی نقض اصول گرایس، ادب و نوبت‌گیری مشاهده می‌شود که بیشترین نقض در دیالوگ‌نویسی آثار فرسی، نقض اصل کمیت است. تکرار و زیاده‌گویی در گفتمان بین کاراکترها مهم‌ترین و پرکاربردترین تکنیک نمایشنامه‌نویسی در پنج اثر نمایشی فرسی است. از این رو شباهت نتایج بدست آمده در این پژوهش با نتایج پیشینه آن در اثبات ابزورد بودن نمایشنامه گلدان به‌عنوان نخستین اثر نمایشی ابزورد در ایران، از دیدگاه کاربردشناسی زبان تاکنون مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته بود که این امر در این پژوهش میسر شد. از دیگر نتایج مهم این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که برخلاف دیدگاه‌های عمومی در خصوص بهمن فرسی که وی را صرفاً نمایشنامه‌نویسی پوچ‌گرا در ایران می‌شناسند، در برخی از آثارش همچون نمایشنامه پله‌های یک نردبان، فرسی از بکارگیری زبان و دیالوگ‌های پوچ‌گرا پرهیز کرده و به روایت قصه و درام می‌پردازد. همچنین فرسی

بررسی کاربردشناختی زبان نمایشی... ۷۹۱۱۱

در امر دیالوگ نویسی، کمتر از جملات احتمالی و دروغ استفاده می کند و بیشتر شخصیت های نمایشی وی دارای صراحت و صداقت در گفتاراند (نمودار شماره ۱).

رعایت نوبت گیری	رعایت ادب	اصل شیوه بیان	اصل ارتباط	اصل کیفیت	اصل کمیت	نقضها نمایشنامهها
۴	۴	۳	۱۳	۶	۱۴	گلدان
۱۳	۱۳	۱۵	۲۰	۳	۳۷	بهار و عروسک
۱۰	۷	۲۴	۹	۳	۲۴	چوب زیر بغل
۱	۹	۱۴	۰	۱	۳	دو ضربدر دو مساوی بی نهایت
۱۷	۳	۱۴	۲۴	۵	۱۸	پاهای یک نردبان
۴۵	۳۶	۷۰	۶۶	۱۸	۹۶	جمع کل

جدول ۱. تعداد نقض های اصول چهارگانه گرایس، ادب و نوبت گیری به تفکیک نمایشنامه ها در یک نگاه



نمودار شماره ۱. نمودار دایره ای درصدهای نقض اصول چهارگانه گرایس، ادب و نوبت گیری در پنج اثر نمایشی مورد بررسی پژوهش

۸۰ // دوفصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و هشتم

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که کارکردهای زبانی و نقض‌های اصول کاربردشناسی زبان در آثار نمایشی بهمن فرسی، حکم پیشبرد درام و پلات را دارد. یکی از اهداف مهم این پژوهش مقایسه کمی این نسبت‌ها با یکدیگر بود چرا که چنین بنظر می‌رسید فرسی به دلیل استفاده از زبان محاوره در دیالوگ‌نویسی بیش از هر نمایشنامه‌نویس دیگری دچار نقض اصول کاربردشناسی در مکالمات بین کاراکترهایش شود.

کتابشناسی

آنی زاده، علی؛ غیاثیان، مریم السادات. (۱۳۹۵). **مهارت‌های ارتباطی نوبت‌گیری و قطع کلام در برنامه‌های مجری محور سیمای جمهوری اسلامی ایران**، دوفصلنامه زبان و زبان‌شناسی. شماره ۲۳. ص ۶۱-۶۵.

افتخاری، معصومه. (۱۳۷۸). **قطع گفتار در گفت‌وگوهای خانوادگی زوج‌های فارسی‌زبان تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
رضایی، مرضیه. (۱۳۸۳). **بررسی راهکارهای آغاز، تداوم و پایان گفت‌وگو در فارسی گفتاری معیار**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

رضویان، حسین؛ الهی‌پناه، تمنا. (۱۳۹۹). **تحلیل کاربردشناختی کتاب آموزش نوین زبان فارسی براساس اصول گرایس**، دوفصلنامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان. دوره ۹ شماره ۱. ص ۷۰-۴۷.
رمشکی، سعید؛ شاکری، جلیل؛ فغفوری، سهیلا. (۱۳۹۴). **جلوه‌های ساختاری و مضمونی تئاتر ابزورد در نمایشنامه‌های بهمن فرسی**، دوفصلنامه پژوهش ادبیات معاصر جهان. شماره ۲. ص ۲۳۱-۲۴۳.
سجودی، فرزانه. (۱۳۸۷). **نشانه‌شناسی کاربردی**، تهران: قصه.

فرسی، بهمن. (۱۳۹۴ الف). **پله‌های یک نردبان**، تهران: بیدگل.
همو. (۱۳۹۴ ب). **چوب زبر بغل و دو ضرب در دو مساوی بی‌نهایت**، تهران: بیدگل.
همو. (۱۳۹۴ ج). **گلدان، بهار و عروسک**، تهران: بیدگل.

فرشته حکمت، نرجس. (۱۳۹۰). **سبک‌شناسی زبان نمایشی غلامحسین ساعدی**: مطالعه‌ای در کاربردشناسی زبان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

مقدسی‌نیا، مهدی؛ سلطانی، سیدعلی اصغر. (۱۳۹۲). **کاربردشناسی زبان و سازوکارهای ادب‌ورزی در برخی از ادعیه شیعه**، دوماهنامه جستارهای زبانی. شماره ۵. ص ۲۰۸-۲۱۲.
واردهو، رونالد؛ فولر، جنت‌ام. (۱۳۹۴). **مروری بر نظریه‌های کاربردشناسی**، ترجمه: تریفه عزیززی. فصلنامه زبان‌شناخت. شماره ۳. ص ۴۳-۷۰.

وزیرنیا، سیما. (۱۳۷۹). **زبان‌شناخت**، تهران: قطره.
یول، جورج. (۱۳۸۷). **کاربردشناسی زبان**، ترجمه: محمد عموزاده و منوچهر توانگر. تهران: سمت.
همو. (۱۳۷۹). **نگاهی به زبان: یک بررسی زبان‌شناختی**، ترجمه: نسرین حیدری. تهران: سمت.
- Grice, H. (1989). *Studies in the way of words*. Cambridge: Harvard University Press.

۸۲ // دوفصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

- Levinson, S. (1983). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Short, M. (1996). *Exploring the Language of Poems, Plays and Prose*. New York: Longman.